



توسعه مکران؛ ضرورت‌های داخلی و اهمیت منطقه‌ای

دکتر مهدی میرزاده کوهشاهی*

اشاره:

جنوب شرق ایران همواره از محرومیت، توسعه‌نیافتگی و مشکلات عدیده اقتصادی، اجتماعی و امنیتی رنج می‌برد. همین امر ضرورت توسعهٔ بیش از پیش این منطقه را آشکار می‌سازد اما توسعهٔ مناطق مستلزم سرمایه‌گذاری فراوانی است که در برخی موارد دولت‌ها در کوتاه‌مدت از تأمین آن عاجزند. یکی از پیامدهای توافق هسته‌ای، فراهم آمدن زمینه‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و کمک به توسعهٔ منطقه‌ای از طریق مشارکت کشورهای خارجی است. از همین رو دولت در صدد است با فراهم آوردن بسترهای داخلی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی به توسعهٔ جنوب شرق کشور کمک کند. این نوشتار ضمن بررسی ضرورت‌های توسعهٔ مکران، فرصت‌های موجود و همچنین چالش‌های فراوی آن را مورد بررسی قرار داده است.

مقدمه

توسعه نامتوازن به مثابه یکی از مهم‌ترین مشکلات فعلی کشور پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی منفی در ابعاد محلی و ملی به دنبال داشته است. دسترسی شهروندان مناطق مختلف به امکانات، تسهیلات و خدمات یکسان و ضرورت پیشگیری از بسترهای ناملازم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - امنیتی به همراه ضرورت استفاده از توان‌های محیطی کشور در مناطق مختلف در راستای توسعه همه‌جانبه و متوازن ملی سبب شده است تا در دههٔ فعلی ضرورت توسعه مناطق مختلف بیش از گذشته احساس شود. در این راستا توسعه مناطق محروم که عمدتاً در مناطق پیرامونی

و مرزی کشور قرار دارند، در دستور کار دولت و نهادهای ذی‌ربط قرار گرفته است.

اگرچه در چهارمین دهه از انقلاب اسلامی، وضعیت غالب مناطق کشور قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست اما همچنان در بسیاری از مناطق، شهروندان از خدمات مناسبی برخوردار نیستند و همین موضوع مشکلات جدیدی را به وجود آورده که در یک چرخه باطل، هم منجر به بازتولید توسعه‌نیافتگی در این مناطق شده و هم مشکلاتی را برای دولت به وجود آورده است. در میان این مناطق، جنوب شرق کشور وضعیت منحصر به فردی دارد. این منطقه به‌رغم گستردگی خود از خست اقلیمی و انزوای جغرافیایی رنج می‌برد. در درون این منطقه که استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و کرمان یعنی منطقه ۹ آمایشی کشور را در بر می‌گیرد، غالب شاخص‌های توسعه وضعیت مناسبی ندارند، به گونه‌ای که اگر شهرهای شمالی و بزرگ استان کرمان و مرکز و غرب هرمزگان را مستثنی کنیم، این منطقه محروم‌ترین و عقب‌مانده‌ترین منطقه کشور است. محرومیت این منطقه در



حالی است که به‌رغم محدودیت‌های محیطی و خست اقلیمی، به دلیل مجاورت با دریای عمان، اقیانوس هند و همسایگی با کشورهای جنوب آسیا و همچنین گستردگی خود قابلیت‌های بالقوه اقتصادی فراوانی دارد که می‌تواند مبنای توسعه همه‌جانبه این منطقه قرار گیرد و علاوه بر بهبود وضعیت منطقه، به توسعه ملی نیز کمک کند. از این‌رو ظرفیت‌های نهفته در این منطقه، تلاش برای رفع محرومیت‌های موجود و برخی سیاست‌های راهبردی مانند تلاش برای کاستن از وابستگی ایران به خلیج فارس، سبب شده است در سالیان اخیر توسعه منطقه مکران در دستور کار دولت قرار گیرد.

بخش عمده ساکنان مکران به‌ویژه در ایران را بلوچ‌زبانان تشکیل می‌دهند، اما هنوز هم دراویدی‌تباران زیادی مانند براهویی‌ها در بلوچستان و حتی بخش‌هایی از هرمزگان و کرمان زندگی می‌کنند. از نظر مذهبی نیز قاطبه جمعیت منطقه را سنی مذهبان حنفی تشکیل می‌دهند. فقر عمومی و نابرخورداری از امکانات که به فقر فرهنگی در برخی از این مناطق انجامیده، فضا را برای اثربخشی تبلیغات منفی کشورهای عربی، علیه جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده و این امر به ترویج واگرایی و توسعه رادیکالیسم در این منطقه انجامیده است. فارغ از پیشینه و ویژگی‌های فرهنگی ساکنان، این منطقه اکنون توسعه نیافته‌ترین منطقه کشور است و شهرستان‌های محرومی مانند جاسک، بشاکرد و کنارک را در خود جای داده است. چابهار به مثابه مهم‌ترین بندر اقیانوسی ایران، مهم‌ترین شهر منطقه مکران است و توسعه این منطقه نیز با محوریت این بندر در دستور کار برنامه‌ریزان است. با این حال محوریت بندر چابهار مانع از توجه به سایر مناطق نشده است و در سالیان اخیر توسعه بخش غربی مکران با محوریت بندر جاسک نیز در دستور کار قرار گرفته است.

توسعه مکران اگرچه در گام نخست با هدف توسعه مناطق ساحلی محروم اما مستعد جنوب شرق کشور صورت می‌پذیرد اما طرح کلان توسعه این منطقه از ضرورت‌های ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی نیز ناشی می‌شود.

مکران و مشکلات آن

منطقه مکران که از نظر جغرافیایی از نیمه شرقی هرمزگان یعنی میناب و سیریک شروع شده و تا منتهی‌الیه ضلع (شهرستان) لسبیله در ایالت بلوچستان پاکستان ادامه دارد، به لحاظ تاریخی سکونت‌گاه اقوام دراویدی^۱ و بلوچ است. امروزه نیز اگرچه

توسعه مکران در سطوح سه‌گانه
توسعه مکران اگرچه در گام نخست با هدف توسعه مناطق ساحلی محروم اما مستعد جنوب شرق کشور صورت می‌پذیرد اما طرح کلان توسعه این منطقه از ضرورت‌های ملی، منطقه‌ای و حتی بین‌المللی نیز ناشی

۱. نام این منطقه نیز برخلاف بسیاری از روایت‌های ایرانی، برگرفته از نام یونانی دراویدی‌ها یعنی «ماکای» است. از همین رو این منطقه در متون کلاسیک یونانی «ماکارنه» نامیده می‌شده است.

با مسائل و مشکلات اجتماعی و امنیتی فراوانی دست به گریبان است، به گونه‌ای که در برخی شاخص‌های امنیتی وضعیتی به مراتب بدتر از مناطق مرزی و محروم دارد.

توسعه مکران در چشم‌اندازی ملی

دومین ضرورت توسعه مکران ناشی از استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های محلی در راستای توسعه ملی و با هدف افزایش ضریب امنیتی و تقویت قدرت ملی است. تقابل ایران با کشورهای منطقه‌ای و به‌ویژه برخی قدرت‌های جهانی سبب شده است ایران همواره از تهدید بستن تنگه هرمز به‌مثابه ابزاری برای اعمال فشار بر این کشورها استفاده کند. این در حالی است که هرگونه اختلال در جریان انرژی و تجارت در تنگه هرمز فارغ از پیامدهای آن از منظر حقوق بین‌الملل، پیامدهای اقتصادی منفی برای کشورمان نیز در پی خواهد داشت، چرا که علاوه بر صادرات نفت ایران از طریق تنگه هرمز، هم‌اکنون مهم‌ترین بنادر فعال ایران یعنی بندرعباس، بندر شهید رجایی و بندر امام خمینی در خلیج فارس و غرب تنگه هرمز قرار دارند و بستن این تنگه بدون رعایت ملاحظات، فراهم آوردن بسترهای لازم و راه‌های جایگزین مانند فشردن گلوی خود است. از این رو توسعه سواحل شرق تنگه هرمز و سواحل ایرانی دریای عمان در راستای کاهش وابستگی ایران به تنگه هرمز و به دنبال آن کاهش ارزش راهبردی آن برای کشور صورت می‌گیرد، تا در موارد ضروری تهدید بستن تنگه هرمز جنبه عینی‌تر و ملموس‌تری به خود گیرد. این در حالی است که امروزه پس از تهدید مبنی بر بستن تنگه هرمز، رقبای جمهوری اسلامی ایران با عنوان کردن وابستگی بالای ایران به این تنگه، این تهدیدات را لفاظی‌های سیاسی و تهدیداتی توخالی می‌دانند.

از سوی دیگر با توسعه قدرت منطقه‌ای ایران و به دنبال آن ضرورت حضور نیروهای نظامی ایران در آب‌های بین‌المللی و توسعه ناوگان نظامی، ضرورت حضور در آب‌های خارج نزدیک ایران بیش از پیش احساس می‌شود. به بیان دیگر برای نمایش قدرت نیروی دریایی ایران پیش از حضور در آب‌های بین‌المللی مانند دریای سرخ و مدیترانه، حضور مؤثر در دریای عمان و اقیانوس هند اهمیت بنیادین دارد و بدیهی است یک بازیگر مؤثر منطقه‌ای بیش از سایر مناطق باید بتواند قدرت برتر و نظارت مؤثر خود را

می‌شود. در ادامه به ضرورت‌های این طرح در ابعاد مختلف آن پرداخته می‌شود.

ضرورت‌های محلی توسعه مکران

در سطح محلی توسعه مکران کمک به توسعه مناطق محروم جنوب شرق کشور است. در این سطح، مناطق شرق هرمزگان و جنوب استان سیستان و بلوچستان با توسعه این منطقه از وضعیت فعلی رهایی خواهد یافت. این مناطق همان‌طور که بیان شد امروزه در سطح‌بندی‌های توسعه در شمار منطقه توسعه نیافته کشور قرار دارند و از نظر شاخص‌های اقتصادی، صنعتی، بهداشتی و تا حدودی آموزشی، وضعیت نامناسب و در برخی موارد و مناطق از وضعیت بغرنجی رنج می‌برند. همین امر سبب شده احساس تبعیض و محرومیت در این مناطق به شدت بالا باشد. این عامل خود بستری مناسب برای رشد گروه‌های تندروی مذهبی و جریان‌های تروریستی فراهم کرده است که در برخی موارد در فقدان توجه به مسائل اقتصادی از سوی برخی رقبای منطقه‌ای ایران مورد حمایت قرار می‌گیرند. با توسعه منطقه مکران، پسکرانه‌های این منطقه در سیستان و بلوچستان و جنوب کرمان نیز از فرصت‌های به وجود آمده منتفع می‌شوند. این امر سبب خواهد شد جنوب استان کرمان که معمولاً محرومیت آن در سایه توسعه مناطق شمالی این استان نادیده گرفته می‌شود، در هم‌پیوندی با شرق هرمزگان و جنوب غرب بلوچستان توسعه یابد. شایان ذکر است جنوب کرمان نیز علاوه بر مشکلات اقتصادی ناشی از محرومیت،



بر خارج نزدیک خود اعمال کند. حضور ناوگان نظامی ایران در دریای عمان فرصت نظارت و قدرت‌نمایی ایران در دریای عمان، اقیانوس هند، دریای عرب و ورودی باب‌المنندب را فراهم می‌کند اما استقرار و تمرکز بنادر پایه نظامی ایران در خلیج فارس، علاوه بر عفلت از یک منطقه استراتژیک مانند سواحل اقیانوسی کشور در دریای عمان، هزینه‌های اقتصادی فراوانی را نیز در پی دارد. همچنین سبب ائتلاف انرژی و زمان زیادی خواهد شد چرا که ناوگان نظامی ایران برای حضور در اقیانوس هند باید مسیر تنگه هرمز را پشت سر بگذارد. از سوی دیگر از منظر پدافند غیرعامل تفرق و پراکندگی نیروها علاوه بر دفع و رفع تهدیدات مناطق مختلف، امکان دفاع و حفظ بنیه و تجهیزات نظامی را افزایش می‌دهد. از همین رو شاهدیم ارتش جمهوری اسلامی ایران در سالیان اخیر به توسعه ناوگان دریایی خود در شرق تنگه هرمز همت گماشته و علاوه بر توسعه بنادر و اسکله‌های نظامی در توسعه منطقه مکران نیز مسئولیت و نقش قابل توجهی دارد.

نکته دیگری که از نظر ملی اهمیت توسعه مکران را بیش از پیش آشکار می‌سازد، استفاده از توان کشور برای توسعه ملی است. با توجه به ساحلی شدن اقتصاد جهانی در دهه‌های اخیر و نیاز کشور به توسعه بنادر و تأسیسات ساحلی و همچنین امکان احداث صنایع مختلف از جمله پتروشیمی، خودروسازی، فولادسازی و آلومینیوم‌سازی در نزدیکی سواحل، مکران منطقه‌ای بکر برای سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال است. این در حالی است که جاذبه‌های گردشگری این منطقه نیز در صورت تحقق برخی سرمایه‌گذاری‌های پیش‌ران می‌تواند به رونق منطقه کمک کند. هم‌اکنون در زمینه پتروشیمی فعالیت‌های درخور توجهی صورت گرفته و در برنامه راهبردی توسعه پتروشیمی، چابهار به سومین قطب این صنعت تبدیل خواهد شد. بنابر تصویب مجلس شورای اسلامی در اواخر اردیبهشت ماه، مقرر شد برای تسهیل سرمایه‌گذاری در مکران، «سازمان توسعه سواحل مکران» به‌مثابه یک سازمان توسعه‌ای با شخصیت شرکتی برای برنامه‌ریزی، اجراء و نظارت بر برنامه‌های توسعه در سواحل آن ایجاد شود.

در این راستا تمامی وظایف و اختیارات دستگاه‌های اجرایی، نهادها و مؤسسات عمومی به غیر از دفاعی-امنیتی، قضایی و امور خارجه و همچنین تمامی دارایی‌های دولت و دستگاه‌های

اجرایی اعم از منقول و غیرمنقول و تمامی طرح‌ها و پروژه‌ها، در منطقه سواحل مکران در محدوده شهرستان‌های میناب، سیریک، جاسک، چابهار و کنارک به این سازمان واگذار می‌شود. این محدوده در چهارچوب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی و قانون تشکیل شرکت سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران اداره می‌شود و از قوانین عمومی کشور از جمله قوانین کار و تأمین اجتماعی، اداری و استخدامی، محاسبات عمومی و غیره خارج است. با ایجاد سازمان مذکور، ایجاد منطقه آزاد در شرق هرمزگان منتفی شده و منطقه آزاد چابهار نیز در درون این سازمان قرار می‌گیرد. ایجاد این سازمان از یک سو با هدف چابکی سازمانی در جهت توسعه منطقه و از سوی دیگر با هدف تسهیل مقررات و ایجاد مشوق‌های لازم برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی صورت گرفت.

فرصت‌های بین‌المللی و توسعه مکران

استفاده از پتانسیل‌ها و فرصت‌های موجود در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی سومین ضرورت توسعه مکران است. در رویکردی ژئواکونومیک، منطقه مکران در پیوند با شبه‌قاره هند و آسیای مرکزی و حتی قفقاز از موقعیت مناسبی برخوردار است. مکران در کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب قرار دارد که از یک سو هند را به آسیای مرکزی، اوراسیا، قفقاز و آناتولی متصل کرده و از سوی دیگر امکان اتصال کشورهای محصور در خشکی آسیای



برای افغان‌ها را می‌توان از صحبت‌های نایب‌رئیس اتاق تجارت و صنایع افغانستان دریافت که معتقد است: «چابهار نزدیک‌ترین بندر دریایی به افغانستان است و علاوه بر نزدیک بودن نسبت به بندر کراچی و بندرعباس، دولت افغانستان را از وابستگی به کراچی پاکستان رها می‌کند». در مقابل استقبال و اشتیاق افغان‌ها، منطقه آزاد چابهار در یک سال گذشته ۵۰ هکتار زمین در سواحل مکران به بازرگانان افغانستان اختصاص داده و ۱۳۰ شرکت در چابهار توسط اتباع افغان به ثبت رسیده است. هند نیز در رقابت ژئوپلیتیکی پنهان خود با چین استفاده از مزیت‌های ژئوپلیتیکی ایران را در دستور کار قرار داده است. چین درصدد است از طریق اتصال بندر گوادر در نقطه مقابل چابهار (و آن سوی روستای گواتر ایران) به کاشغر در منطقه مسلمان‌نشین خود در آسیای مرکزی نبض تجارت منطقه را در دست بگیرد.

با امضای برجام و به دنبال آن گشایش‌هایی در عرصه روابط خارجی ایران، نه تنها فرصت‌های لازم برای ایران در راستای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مکران فراهم شد بلکه اشتیاق کشورهای منطقه از جمله هند، چین و افغانستان نیز افزایش یافته است.

با امضای برجام و به دنبال آن گشایش‌هایی در عرصه روابط خارجی ایران، نه تنها فرصت‌های لازم برای ایران در راستای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مکران فراهم شد بلکه اشتیاق کشورهای منطقه از جمله هند، چین و افغانستان نیز افزایش یافته است و سفر موندی و اشرف غنی را در این راستا می‌توان تفسیر کرد. چینی‌ها نیز که در رقابت با هند از توافقنامه چابهار متضررند، در پی استفاده

مرکزی به دریا را فراهم می‌کند. در این زمینه در سطح نخست سه بازیگر نزدیک مکران یعنی ایران؛ که مکران بخشی از سرزمین آن است، افغانستان؛ که مکران امکان اتصال این کشور را به دریای عمان و هند فراهم می‌کند و هند؛ که مکران برای این کشور بستری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌جویی اقتصادی و همچنین عاملی برای فشار بر پاکستان است، با یکدیگر همکاری و شراکت دارند. از همین رو پس از گشایش‌هایی در عرصه روابط خارجی و رفع محدودیت‌های بین‌المللی ناشی از تحریم‌های ظالمانه غرب، در ابتدای خرداد ماه «موندی» نخست وزیر هند و «اشرف غنی» رئیس‌جمهور افغانستان در سفر به ایران پیمان سه‌جانبه‌ای را برای توسعه چابهار امضا کردند. این پیمان فارغ از ابعاد ژئواکونومیک آن، برای برخی بازیگران منطقه مانند پاکستان از وجه ژئوپلیتیکی پررنگی نیز برخوردار بود که بر اساس آن مثلث افغانستان، ایران و هند، محور پاکستان- عربستان و حتی چین را تحت فشار قرار خواهد داد. پاکستانی‌ها پس از معرفی بندر گواتر به عنوان بندری آزاد و واگذاری آن به یک شرکت سنگاپوری، تلاش زیادی برای استفاده از سواحل خود در جهت ممانعت از رشد بنادر ایران به‌ویژه با سرمایه‌گذاری هند و افغانستان به عمل آوردند اما با حصول این توافق تلاش‌های خود را بر باد رفته می‌پندارد. پیش از این، بخش عمده ارتباط افغانستان با دریا از طریق بندر کراچی صورت می‌گرفت و اسلام‌آباد همواره از آن به‌مثابه اهرم فشاری بر کابل استفاده می‌کرد. اهمیت این بندر



از برخی فرصت‌های موجود در منطقه هستند. نکته در خور توجه حمایت ایالات متحده آمریکا از توافقنامه چابهار و توسعه منطقه است زیرا در سالیان گذشته این کشور در جهت اعمال فشار بر ایران کشورهای خارجی را از سرمایه‌گذاری در این منطقه منع می‌کرد و همین عامل مهم‌ترین، بازدارنده هندی‌ها از حضور در چابهار بود. در حال حاضر آمریکا با حمایت از این طرح در وهله نخست در صدد است نشان دهد پس از برجام، محدودیت‌های وضع شده سابق بر ایران برداشته شده است. علاوه بر این آمریکا توسعه منطقه را به مثابه بخشی از فرایند توسعه افغانستان می‌بیند که می‌تواند به ثبات سیاسی و بهبود وضعیت امنیتی این کشور منجر شود. در نهایت اینکه در رقابت هند و چین در منطقه، آمریکایی‌ها به دلیل رقابت خود با چین، ترجیح می‌دهند هند از طرح‌های منطقه انتفاع بیشتری داشته باشد.

نتیجه‌گیری

توسعه مکران علاوه بر ضرورت‌های داخلی آن از جمله ایجاد توازن در توسعه ملی، برخورداری شهروندان از فرصت‌ها، خدمات و تسهیلات برابر، استفاده از پتانسیل‌های داخلی در جهت توسعه ملی، رفع تبعیض و احساس تبعیض در مناطق قومی و مذهبی، تنوع در فرصت‌های اقتصادی و کاهش وابستگی کشور به تنگه هرمز، در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی نیز فرصت‌هایی را برای ایران در پی خواهد داشت.

توسعه این منطقه سبب خواهد شد امکان دخالت و بحران‌آفرینی رقبای منطقه به‌ویژه اعراب در مکران و بلوچستان کاهش یابد. هم‌اکنون این کشورها در تلاشند از تفاوت‌های مذهبی و توسعه‌نیافتگی منطقه به مثابه عامل توسعه نفوذ خود در منطقه و ایجاد ناامنی در شرق و جنوب شرق کشور استفاده کنند. بدیهی است با توسعه مکران، ضریب امنیتی کشور در این منطقه ارتقا پیدا خواهد کرد.

علاوه بر این توسعه مکران اقتصاد افغانستان، کشورهای آسیای مرکزی و هند را به ایران پیوند می‌زند و این امر سبب خواهد شد ایران بتواند در مراودات و مناقشات سیاسی با این کشورها از اهرم حضور در مکران استفاده کند. اختلافات با افغانستان بر سر آب‌های مرزی و حق آبه رودهایی مانند هیرمند و هریرود و همچنین تحولات

داخلی این کشور از جمله حضور گروه‌های تروریستی در این کشور، مسائلی هستند که وابستگی افغانستان به ایران می‌تواند در کاهش پیامدهای منفی آنها اثرگذار باشد. همچنین سرمایه‌گذاری گسترده هندی‌ها آنها را ناگزیر می‌سازد حتی در صورت فشار کشورهای غربی، روابط خود با ایران را ادامه دهند و به راحتی از مراودات اقتصادی و سیاسی خود با ایران چشم‌پوشی نکنند. این اصل درباره سایر سرمایه‌گذاران خارجی که ممکن است در منطقه سرمایه‌گذاری کنند نیز صادق است. با این حال استمرار و موفقیت سرمایه‌گذاری در این منطقه با چالش‌هایی نیز روبرو است. بخشی از این چالش‌ها همچنان در نگاه منفی و محدودیت‌های بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری در ایران ریشه دارد که نیازمند پویایی دستگاه دیپلماسی کشور است. قوانین محدودکننده، فقدان تسهیلات اولیه و بروکراسی غیرکارآمد نیز عواملی هستند که می‌توانند شوق سرمایه‌گذاران خارجی را به دلسردی تبدیل کنند. در کنار این عوامل معضل ناامنی ناشی از فعالیت گروه‌های تروریستی وابسته به خارج و باندهای شرارت محلی نیز موضوعاتی هستند که باید پیش از عملیاتی شدن پروژه‌های عمرانی مورد بررسی قرار گیرند.

